

الف - حیواناتی که در پاهای خود نقطه و خال های غیر منظم دارند (مثل سنگ پشت ، طوطی و کانگورو) .

ب - حیواناتی که دارای نقاط منظم در پاهای خود هستند (مثل سوسمار ، خرس سیاه) .

ج - حیواناتی که دارای نقاط در یک خط هستند (سنجاب خز ، سمور) .

د - حیواناتی که دارای نقوش و خطوط بسته هستند (میمون و خفاش های بزرگ) .

ه - حیواناتی که دارای نقوش و خطوط باز هستند (شمشیر) .

این نقاط و خطوط رابطه با درجه هوش یا ترقی نوع حیوانی ندارد .

خیلی از پستاندارها از نظر خطوط و نقوش پایست تر از طوطی و سنگ پشت هستند و در یک فامیل گشته خوار خطوط مختلف یافت میشود .

در نوع سگها غالباً خطوط و نقوشی یافت میشود حلقه و خمیدگی خطوط مثل نقوش انسانی نیز دیده میشود ولی خیلی ناقص .

تأییداً نقوش تمامی پنجه حیوانات - از شکل پامیتوان تعیین نوع حیوان را نمود و بی فایده نیست که مجموعه از نشانیهای پای سگ و گربه و غیره در لابراتوار داشته باشیم . ابعاد پا و طول یا قد حیوان را تعیین مینماید . نشانه که از پای سگ میماند نقش چهار انگشت او است پنجمین انگشت که شصت باشد بزمین اصابت نمیکند . نقش پای جلو از پای عقب توسط پاشنه تشخیص داده میشود باین نحو پاشنه پنجه عقب نقش گرد و نقش پنجه جلو مثلث غیر منظمی میباشد بعلاوه وضعیت انگشتان پای چپ شبیه پای راست نبوده نشانه کوچکترین انگشت در پای راست بطرف راست و در پای چپ بطرف چپ است .

شده از لباس مظنون مقایسه میشوند .

۴ - وسیله دیگری برای تعیین نخهای لباس جانی در دست است و آن استعمال میکروشمیک نخها است که عجالتاً از ذکر آن صرفنظر میکنیم :

ی - نشانی های باقیمانده از حیوانات

تفتیش و تحقیق در نشانیهای باقیمانده از حیوانات در دو مورد لزوم پیدا میکند :

اول - ممکنست جانی با اسب در محل جرم حاضر شده باشد یا در دستگامی که با اسب ، ا.غ ، قاطر یا گاو کشیده شده از طرفی جانی ممکنست سگ همراه خود داشته یا با میمون ، گربه و غیر آنها بمحل جرم آمده .

دوم - ممکنست دزدی با حیوانی که برای دزدی تربیت شده مثل سگ یا میمون در محل جرم آمده باشد (سگها را غالباً برای قاچاق تریاک کواکین یا اوز در سرحدات بکار میبرند) یا سرقت وسیله حیواناتی که از راه بازی اشیاء را میربایند (مثل کلاغ زاغی - زاغچه) واقع شده باشد ممکنست وسیله قتل حیوان سببی باشد مثل گرگ ، سگ و غیره خسارات وارده بمزارع غالباً توسط حیوانات میشود (مثل خوک ، روباه ، سگ و گربه) بالاخره در موقع مرگ طبیعی ممکنست جسد توسط موش های صحرائی کلاغ ، گربه های وحشی و غیره جویده یا بلعیده شده باشد .

در تمام این موارد میبایستی از روی نشانی هائیکه از حیوانات باقی میماند تحقیقاتی بعمل آید تا اینکه مرتکب را معلوم نمائیم نشانی هائی که از حیوانات باقی می ماند ممکن است اثرات با ، دندان ، پشم یا کثافت آنها باشد .

اولا - نشانیها و خطوط پای حیوانات - عده از حیوانات در پاهای جلو و عقب خطوط و نقوشی مثل اثرات باقیمانده از نقوش سرانگشت را دارا هستند و این نشانیها در طبقه بندی تدریجی اشکال ذیل را بخود میگیرند .

حقوق تجارت

صاحبان سهام با هیچ اکثریتی نمیتوان افزود ناچار باید از طریق دیگری وجود لازمه را تحصیل نمود.

وجود مورد احتیاج بر حسب نوع احتیاجات و مقتضیات تجارتنی شرکت ممکن است از طریق استقراض تهیه و یا از طریق افزودن سرمایه شرکت فراهم شود.

در صورتیکه صلاح در افزودن سرمایه شرکت باشد باید با اساسنامه مراجعه تا در صورت تجویز برای کرد آوردن سرمایه جدید اقدامات لازمه طبق مقررات بعمل آید.

با استنباط از ماده ۲۲۲ مذکور افزایش سرمایه در صورتی امکان پذیر است که در اساسنامه قبلاً پیش بینی شده و یا لاقلاً نسبت بآن منعی بعمل نیامده باشد - در صورت منع اساسنامه و احتیاج مبرم با افزایش سرمایه قبل از اقدام باین امر تغییر اساسنامه واجب میآید.

برای میزان افزایش سرمایه قانوناً ۱۰ درصدی معین نگردیده و بنا بر این امر مزبور با توجه بمقتضیات و احتیاجات شرکت بمیل شرکاء و تابع تصمیمات قانونی آنها خواهد بود.

در شرکتهای سهامی چنانچه قبلاً اشاره شده است سرمایه آن باید طبق ماده ۲۱ سهام تقسیم شود بنا بر این سرمایه جدید نیز تابع آن بوده و تقسیم آن سهام ضروری است و مقررات مربوطه به سهام بطور کلی نسبت به سهام جدید نیز لازم الرعایه خواهد بود.

با توجه به مندرجات فوق در موارد تکثیر سرمایه مجمع عمومی شرکت دعوت و مجمع مزبور با رعایت مقررات اساسنامه و توجه با احتیاجات میزان سرمایه لازم و تمداد و

در اینجا برای رفع ابهام تذکر این نکته لازم بنظر میرسد که هر چند اطلاق عنوان ذخیره سرمایه که در فوق توضیح گردید ظاهراً با توجه باوضاع و احوال قضیه بی مناسبت نیست ولی در حقیقت موقعی میتوان سرمایه را مقید باین عنوان نمود که شرکت طبق مقررات تصمیم گرفته باشد که باقیمانده قیمت اسمی سهام را بعنوان ذخیره نگاهداری نموده و جز در موقع انحلال آنرا مورد مطالعه قرار ندهد که در این صورت استفاده از وجوه مزبور قبل از انحلال مجوزی نخواهد داشت.

تکثیر و تقلیل سرمایه

ماده ۲۲۲ قانون تجارت مقرر میدارد که هر شرکت تجارتنی میتواند در اساسنامه خود قید کند که سرمایه اولی خود را بوسیله تأدیبه اقساط بعدی از طرف شرکاء یا قبول شریک جدید زیاد کرده و یا بواسطه برداشت از سرمایه آنرا تقلیل دهد در اساسنامه حداقلی که تا آن میزان میتوان سرمایه اولیه را تقلیل داد صراحتاً معین میشود - کمتر از عشر سرمایه اولیه شرکت را حداقل قرار دادن ممنوع است.

بر حسب صریح ماده مزبور سرمایه شرکت های تجارتنی قابل افزایش (۱) و تقلیل است (۲).

(۱) افزایش

گاه اتفاق می افتد که در نتیجه توسعه امور شرکت سرمایه که در بدو امر پیش بینی شده کافی برای انجام مقاصد شرکت نبوده و بوجه بیشتری احتیاج حاصل میشود در این مورد چون بر حسب صریح ماده ۷۴ قانون تجارت بر تعهدات

نوع سهامی که سرمایه مزبور باید بآن تقسیم شود معین ننموده و طبق مقررات تصمیم مزبور منتشر و بعداً سهام جدید در دسترس طالبین گذارده می شود و باین وسیله سرمایه جدید و اضافی که مورد احتیاج شرکت است جمع آوری میگردد.

راجع بطریقه افزایش قانون تجارت در ماده ۲۲۲ بطور کلی اشاره نموده است که :

..... سرمایه اولیه خود را بوسیله تأدیه اقساط بعدی یا قبول شریک جدید زیاد کرده عبارت مزبور بیشتر ارتباط و چسبندگی با انواع شرکت های تضامنی دارد لکن با تعدی که در تلفیق عبارات و الفاظ بمنظور تعمیم ماده بعمل آمده است تسری آن بشرکتهای سهامی خالی از اشکال و باین مناسبت سهام جدید را ممکنست دارندگان سهام قدیم بردارند که بمنزله تأدیه اقساط بعدی بشمار خواهدرفت و یا اشخاص جدید آنرا تعهد و اقباع کنند که در حکم قبول شریک جدید خواهد بود.

تردید در آن است که آیا میتوان با استنباط از ماده ۲۲۲ قانون تجارت و دارندگان سهام قدیم را ملزم بقبول سهام جدید نمود یا نه ؟ اگر چه شرط تقدم آنها باقید ضرب الاجلی مانعی نخواهد داشت ولی با استفاده از ماده ۷۵ قانون تجارت و اصول کلی الزام آنها باین امر مواجه باشکال خواهد شد و اقوی بر این است که بگوئیم الزام آنها جایز نیست.

(۲) تقلیل

گرچه ماده ۲۲۲ قانون تجارت جواز تکثیر و تقلیل سرمایه شرکت است ولی بطوریکه قانون صراحت دارد امور مزبور تابع اساسنامه میباشد.

نکته قابل تأمل آنستکه در قانون تجارت هیچیک از موارد تکثیر و یا تقلیل سرمایه پیش بینی نشده.

لذا ناچار این قبیل امور همینه قدر که بموجب اساسنامه تجویز شده باشد تابع مقتضیات امور تجارتنی شرکت و میل دارندگان سهام خواهد بود که بوسیله تصمیمات مجمع عمومی

شرکت عملی میشود.

بدیهی است در موارد عادی که امور تجارتنی شرکت جریان طبیعی خود را سیر مینماید و وقایع فوق العاده رخ نداده اقدام باین قبیل امور مورد و موقعیتی پیدا نمیکند بنابراین امور غیر عادی است که موجبات تکثیر و یا تقلیل سرمایه شرکت را فراهم مینماید مثل مواقعی که شرکت برای بسط و توسعه امور مربوطه احتیاج بوجوه زیادتری دارد یا زمانی که وجوه زیادی نزد شرکت جمع شده و محلی برای مصرف آن موجود نبوده و چون را کد ماندن آن مخالف با اصول اقتصادی است باید بنحوی از انحاء بطوریکه با اقتصادیات شرکت ضرری وارد نیآورد وجوه مزبور را از ید او منتزع نمود.

بر حسب مستقدا از کلیات قانون تجارت و قانون مدنی تقسیم منافع با فرض وجود آنست پس اگر شرکت در عرض سالی نفعی نبرده باشد و چیزی باین عنوان بین شرکاء تقسیم گردد عمل مزبور تحت عنوان تقسیم منافع موهوم درآمده و مسئولین قابل تعقیب جزائی خواهند بود.

کلام در اینجا است که اگر در سالهای متوالی شرکت ضرر کرده و مقداری از سرمایه آن باین مناسبت از بین رفته باشد و احیاناً پس از چندی در یکی از سنوات بعدی نسبت بآن سال نفعی حاصل شود آیا نفع مزبور باید بعنوان منفعت بین شرکاء تقسیم شود یا آنکه بمصرف جبران خسارات وارده سنین گذشته برسد و سرمایه از دست رفته راپر کند؟ هر چند در چنین موردی ظاهراً برای آن سال نفع حاصل است ولی نسبت بکل بر حسب قاعده عقلانی مادام که سرمایه از دست رفته جبران نشده باشد چطور ممکن است بوجود نفع قائل شد تا آنکه آنرا قابل تقسیم بین شرکاء دانست؟

اگر نظریه اخیر تعقیب شود ممکنست سالهای متمادی بگذرد و سرمایه از کف رفته جبران نشود و باین مناسبت فرضی برای تقسیم منافع بین دارندگان سهام بدست نیاید.